

MUTINY

1856-57.

Collection No. 9

MUTINY PAPERS

Files of SIRĀJUL AKHBĀR
 Pros. Serial No. Vol. 12 ; no. 14 ; June 21, 1856.

Subject

News about The Moghul Court at Delhi and select news
 from the DEHLI URDU AKHBĀR.

Foll. 4 ; Size 12" x 7 $\frac{3}{4}$ " (Printed).

Previous References.

Later References.

بسم الله

سراج الاخبار

جلد دوم

من ابتداییم شبیه بندهم تاملی شسته جبری بق ربکم چون شمشیر نجات جمیع مسلمانان را

انبار و بار جهاندار حاضر بجامی خلیفه الرحمانی مروع خاندان
عالمیشان کورگانی حیران دو مان کج نشان جعفرانی خلد ملکه
بسیاره زکرمی ان مرغان باز چو قاصد پروردنا الهامی بن

سجندوی مبلغ دو صد و شتاد و هفت روبرو
پانزده انه مانت ادنی ماه ایریل ششم و پنجم
صاحب آباء و ائمه ک متعلقه ان دو دومی مع کافه
دو هزار و شصت و هفت روبرو پانزده انه
مشت یابی ادنی باقیات زیر ضلع اضافی
یک کله کو تقاسم و ادنی انجا پورچی موضع
سدر اولی فرمودند که حسب شریسته و احکام
ان مرتب نشوند بوجهی که فردا بتاریخ محمد
شوال کتمری درگاه حضرت سلطان شایم
تقریب سس حضرت امیر خسرو دهلوی قدس سره
میگرد درین باب چهار شاد است فرمودند
که ضعف و تقاضت بجز التوا میانه الا تخم باب

استغفر بالله زین مهر بر بنده طاس بنیا فام
سپهر نه نهاده که خسرو افغان فرضیه با داد
سود انموده احترام الدوله بباد را شریف
نصن شناسی شنبه و ساد و رای جهان
شده حصار در بار فلک اقدار مثل معتبر الدوله
ببار نظارت خان و نجم الدوله محمد سید
خان شمس الدوله نجفی نجف خان شرف
الدوله کیتان و لدار علیجان سیف الدوله
وکیل سلطانی و میر عدل بباد و دو بار الدوله
محمد اسمعیل خان و دیگر اراکین در پیشان حاضر
شده اداب و کور نشن سجا او در نه ملاحظه
و نقطه واجب العرض امین الدوله بباد و رکبی

عزیزش به بوان خاص خواهم کردید به بند پریش
 آداب و کوشش بهادران ایشان نصف النهار
 هنگام نعمت برای طعام کشته قیلوله گاه
 اراستند بادای نماز شبین و دیگر اشغال
 و نشین عصر خوانند بعد از آن حضور
 نوزک رکاب برآید ملاحظه سیر و گلگشت
 از راه دیوانی خاصه داخل محل طلع
 شدند و همین وقت بولاناته نموده
 آمدنی باغ صاحبه و کو تقاسم و غیره از
 خزانه انجمن وصول نمودند داخل خزانه نماز
 شایسی کرد بعد مغرب بروقت حضور
 احترام الله و له بهادر و نظارت خان
 و دیگر اربابین مجلس ختم عرس امر حضور
 و بلوی شریف کشته و فاتحه خوانده بعد
 تقسیم شیرینی تبرک داخل شبستان بنهار
 شدند نقطه

یوم یکشنبه عید میمنه

به میدان حقیقه به باد فریضه و قی مودا
 نموده احترام الله و له بهادر و آفرینش
 شناسی و عموه با صیبه خلافت قوه با

مع تبرک الله و له بهادر برای استعنا زمارت
 در گاه فیض با بگاه حضرت سلطان المشایخ
 قدس سره العزیز وانه ساخته بعد بطاعت
 خدمت آن در گاه رونق افروز دیوان خاص
 شده و در ختم عرس به کور احراز ثواب
 نموده داخل ایوان خلد بیان کرده اند
 به بند پریش آداب و کوشش بهادران هاشمی
 زبان فی حمود او و جویدار حکمه انجمن و قطعاری
 نصف النهار هنگام نعمت برای طعام کشته
 قیلوله گاه اراستند بادای نماز شبین و دیگر
 اشغال و نشین عصر کد اردند بعض حضور
 نوزک رکاب متوجه سیر و گلگشت کرده
 و احترام الله و له بهادر از نقش شناسی موده
 مش سگاه و شبستان ارک ایشان شدند
 میر عدل بهادر معوضه داشت که صرافی
 ساکن بیرون قلعه در نجاده دو کانه
 صرافی کشور مردان جناسین خود نزد
 رهین داشتند بعد از آن رو پوش کرده
 در ایشان در تلاش انجمن او مانده چنانچه
 کیف مستحق سیر و تماشای ایشان با زری در قلعه
 معده وارد شد مردمان او را شناخته گرفتار

وقت اظهار مقرر رسن بنیامردمان گردید
رضانست مقبره باشد بنابر اطلاع معروض
نمود فرمودند که مناسب کرد نقطه.....

یوم دوشنبه نوزدهم شوال

والله
و البصیح انوار تنفس ادا فرسی رضیه بابد نمودم
بها در را نصرف نبض شناسی فرموده
مسند آرای جهانانی شدینه و حضار
در بار هم حاضر مبارکاه صاحب قرابتی
گشته اداب و کورنش سجا آورده و زبانه
وقار الدوله غولی طبع زاده شده ملاحظه
به شقه قطعه مرتبه دارالانشا اسمی من الله
بها در یکی بقدره عطای شدن بیداری
مواضعات امین نکر سزی و حسن پور
مصور می نیول از بنگاه والا بزرگ محمد طهرانی
بها در فرزند خام و زانه شدن سسی طهرانی
ملازم مزارند کور برای انتظام آن شیخ
فرستادن تعلیمی مزارند کور هم شکل
خاص نزد کلکتر بها در میرنده را می نیز
و دخل ملازم مزار مسطور و بر جاست نمودن

سید رفیق ملازم اداب باج محل بیگم و
دومی بمقبره رسید دونه روز ششصد
و مفت رو به با نزهانه شست با
اندلی پرکنه کو تقاشتم و غیره و سومی مقبره
رسید اندلی باغ صاحبه اباد تعداد سی و صد
و شتاد و مفت رو به دهانه مفت
مسجل مهر خاض فرموده حکم اجرائی شسته
دادند بعد از رفتن اداب و کورنش بمان
نصف النهار هنگام غممت پرسی باید
کرده قیلوله گاه ارا ستنه با دای نماز
مشین دیگر شغال تشین عصر خواندند
آخرین نماز بجزین حضور کونزک رکعت
باید ه بعد ساعتی داخل کاشانه گشته
شام هنگام احترام الدوله بها در را بجا آورده

یوم سه شنبه بیستم شوال

بها دای نماز با یاد احترام الله و له بها در
شرف نبض شناسی ششده مسند
جهانانی و ستنه و حضار در بار
اداب و تبسم سجا آورده مودت شتاد
ملاحظه دو قطعه شقه والا اسمی با من الله

یکی داخل خارج موضع امین کمر ساری مصور
 حسن بر بنام مرزا طاهر الدین بن بادی عوف
 مثل فرزند خاص مع نقل عرضی مرزا اندکور
 مشعر بدین ارشاد که خط انگریزی بنام کلکتر
 باادرس میر تقی عثمانی میل مرآتم داخل خارج
 و ارسال نقل عرض مع نقل ششقه و دوی
 نقل عرضی محمد سلطان و غره و از آن قید
 سلطان بیکم مرحومه بارشاد فرستادن
 نقل نقل عرضی و اصل ششقه خاص
 بهادر بناس بدین ایام که چنانکه خواه دلده
 مرحومه انشایان عثمانی رخراند کلکتری دلی
 بوده همچنین مشاوه ایشان در اینجا تهر سازد
 که در تصویرت هیچگونه زبان انگریزی نیست
 و آرام و آسایش نخواهد ارات در آن کلکتر
 سجل بهر خاص فرموده برای احوال اعلام
 احمد خان نموده و نیز مکتوبه مرزین صاحب
 خاص یکی بنام سید رفیق که از طرف
 تاج محل مواضعات مکرر معین است بدین
 ارشاد که اکنون مواضعات لندنی نگاه و الا
 مرزین محمد طاهر الدین باادرس عطا شده و همچنین
 سنگه کارنده از طرف ان مرزا بزرگ

اتهام ان دیات روانه شده و زر قسط
 فصل گذشته مسرکار انگریزی و اسباب
 و حساب وصول باقی خود مع زر قسط ناچار
 حضور سازد و دوی بنام زنده لران و عیال
 اینجا مشعر کار بند بودن از انیده حسب گفته
 لجهن سنگه ملازم مرزا طاهر الدین نخت بهار
 جاری شدند به پیشش آداب و کورشا
 باوران ذیشان بلاخطه و حسب عرض
 امین الدوله بادی یکی مع مندی و مبلغ صد
 و پنجاه و یک روپه چهارانه پنج بابی بابت
 باقیات ادنی فصله پنج ششکله فصله تیر روپه
 قبول والا و دوی مع نقل روکار بعد است
 دیوانی دینتخاص و اصل طلا عیال مع صد
 و نوزده بخش و غره عدل ان بنام نواب کلکتر
 بیکم و مرزا قادی بخش علی به رجوع است
 شش طلا عیالی مدعی علیها فرمودند که طلا
 ادنی شبه روپه حبه بر شش شست کرده
 و هم معرفت غیر عدل باور حسب اطلاع حاج
 تخریب باشد عدل ان داخل اوان
 شده نصف النهار هنگام نعمت بر است
 طعام شده قبله گاه ار استند با دای ناچار

حاضر خوانده شد فرمودند که بیایند و قلم

واجب العرض امین الدوله ببادر مع نظر صورت حال کجری کلکتری بنیامین

استقرار است و هشت روزه سالانه بابت چهار بگله ارضی موضع کیده که سترک

آمده و رجوع استحقاق زمینداران نسبت آن با بسته نای طلب جواب عرضی سابق

فرمودند که جوایشین زودتر عوارض

باید نصف النهار هنگام نعمت برای

ماید طعام شده قبله گاه اراکین

بادای نماز پیشین و دیگر اشغال و شبیر

عصر خوانند اخترین نهار بعضی حضور

توزک رکاب و عله سواری سعادت

رخصت فوخته شام هنگام حسب

مهمول احترام الدوله ببادر را با ذوق

بعد مغرب دوسه آنکریان و غیره سالانه

نمایش تصاویر سوم حاضر آوردند در دیوان خاص میرده و غیره نصب نمودند بعد از آن حضور رزوق افروز شده ملاحظه باری خیال فرموده تبرهنر افرینی تحسین افرین ارشاد کرده

داخل ابوان خلده بنیان کردیدند فقط

یوم چشمت دوم

قبل از طلوع نیر جهان افروز ادای فریضه نگاه

نموده احترام الدوله ببادر را نفس ششم

فرمودند بعضی حضور سے اراکین بنده

نمکن بدر دولت شرف رخصت

سر افراز نمودند کیده شستن ادای کور

آینت ببادر ز طلعه ببادر ایجابی دعا

فرموده ملاحظه واجب العرض امین الدوله

ببادر مع نقل صورت حال عدالت

نوجواری دینچا ص و دود و قطعه بر آورد

تیار می بدر و های کوجه خواص پوره

کلان و خورد واقع کسری باغ صاحب

به تعداد سمان مع بد رخواست عطای

نصف مصافق آن از نگاه ملازمان قدسی حکم صادر شد که جوایشین از عقب غرتزقیم خواهم یا نیست نصف آنها هنگام نعمت برای ماید طعام کشته قبله گاه اراکین بنیامین و دیگر اشغال

و نشین عصر خواننده ازین بجز من صورت
 سدا حین بنه تکلیف بدرگاه فیض نگاه
 رونق افروز تبتیح خانه کرده دیده شفقت
 نکاح مرزا نوامس بهادر فرزند خاص
 با صبه مرزا حمد رو بهادر رود بر وضو
 منعقد گشت بعد از احترام الدوله بهادر
 را شرف نبض شناسی داده توجیه
 مسکن مرزا حمد رو بهادر کرده بعد
 معاینه رسومات شادی از اینجا مرتبت
 نموده داخل ابوان خلعت بیان گشته فقط

یوم جمعیت سوم سوال

بادای سنن و فرضیه یوم آدینه حرام
 الدوله بهادر را بر نبض شناسی ممتاز
 فرموده در دیوان خاص جلوه آرا
 شدند و حضار و بزرگواران و کورنش
 بجا آورده حاضر گردیدند بعد بلا خطه
 سیر تکوینی کشتن بزبان و جنب بولاد
 جنگ و متقار تهبوان به قاضی نکاح
 خوان را بابت نشین کامین مرزا محمد
 توامس فرزند خاص خلعت مرتبت

کرده اند در شکر بی اش نیز به فتنه بگشتم
 اداب و کورنش بهیت بهادر و قلعه
 بهادر زمانی همکار ایچی و جویدان قلعه
 ایامی دعا فرموده از دربار زیارت
 داخل بارگاه خاص شدند و حاضرین
 را ترخیص کردند نصف النهار تکام
 لذت برای مایه طعام گشته قبله نگاه
 اراستنه بادای نماز سبین و دیگر
 اشغال نشین عصر خواننده ازین بهادر
 پورن جویدان قلعه ای حاضر گشته
 معروض ساخت که بهادر حمد و
 بعد اداب مراتب مجود انکسار التماس
 ساخته که فدوی فردا بدر بار جهاندار
 شرف اندوز خواهد کردید فرمودند که حساب
 است بیاید بعد از آن

احترام الدوله بهادر محمد حسن امده
 حالینوس زمان اسطودوران را یاد
 فرموده و نبض شناس کردانیده و
 عرض و معروض آن حکمت بنام
 شنبه سعادت رخصت فرزند
 و دیگر حاضرین بارگاه شکوه و تکلیف بهادر

